

دبیر خانه امور معرفتی

طرح نظام جامع اندیشه اسلامی

درس: نظریه‌ی فرهنگی امامین انقلاب

ارائه دهنده: استاد سیاهپوش

بسم الله الرحمن الرحيم

موضوع ما «نظریه فرهنگ در اندیشه امامین انقلاب اسلامی» حضرت امام (رحمة الله علیه) و امام خامنه‌ای (مد ظله العالی) است. خب یک مقدمه‌ای خدمتان عرض بکنم به دلیل این که لازم است ما گستره بحث را متوجه باشیم. رهبر معظم انقلاب یک نظریه پرداز تمام عیار در حوزه انقلاب اسلامی است و منظومه فکری ایشان واجد عناصر متعدد فکری و بنیادین است. حال ما مجال نداریم راجع به این که نظریه چیست و احتمالا شاید در جلسات قبل، اساتید نکاتی را گفته باشند در این باره که نظریه چیست و نظریه فرهنگی کدام است و با چه پایه‌ای مدعی هستیم که رهبر معظم انقلاب، نظریه فرهنگی تمام عیار دارند؟ خیلی مجمل عرض می‌کنم که اولاً هر نظریه‌پردازی باید بتواند عناصر مفهومی بنیادین در حوزه مورد بحث، ارائه کند، تعاریف را ارائه کند و ارتباط و اتصال منسجمی بین عناصر مختلفی که طرح می‌کند، برقرار بکند؛ هم توصیف بتواند بکند با مقوله‌هایی که ارائه می‌کند، حوزه مورد نظر را تبیین بکند. خب ما مدعی هستیم یعنی از متن فرمایشات رهبر معظم انقلاب، به راحتی استخراج می‌شود که ایشان، هم عناصر متعدد در حوزه فرهنگ را با کیفیت و قوت، طرح می‌کنند هم این که اتصال و ارتباط مناسبی بین این اجزا برقرار می‌کنند و راجع به سه بعد مهم که عموماً در نظریات مرسوم، مورد توجه است «چیستی، چرایی و چگونگی»، «آتیه مقوله» و «آسیب‌شناسی» بحث دارند به اضافه این که رهبر معظم انقلاب در حوزه فرهنگ، تعداد مفاهیم نوآورانه و بدیعی که برای اولین بار است در ادبیات حوزه فرهنگ، طرح می‌شود را ارائه می‌کنند. خب این از مقدمه بحث.

راجع به وجوه مختلفی که رهبر معظم انقلاب در این نظرگاهشان به آن اشاره می‌کنند، باید عرض کنم خدمتان که دیدگاه رهبر معظم انقلاب دیدگاه بسیار فربه‌ی است، دیدگاه بسیار فربه و با ابعاد متعددی است هم راجع به فلسفه فرهنگ، هم راجع به اهمیت فرهنگ، هم راجع به نسبت فرهنگ با سایر ابعاد، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی،

فرمایش دارند و نکته دارند، هم راجع به مدیریت فرهنگ و هم راجع به ابزار فرهنگ، هم راجع به روش‌های فرهنگی، هم در آسیب‌شناسی فرهنگ، این را حتما اطلاع دارید و من این را مقدمه دارم عرض می‌کنم به خاطر این که توجه داشته باشید که به هیچ وجه، یکی دو ساعت، ظرف این فضا را ندارد که ما حتی مقدمات مربوط به فرمایشات رهبر معظم انقلاب را در حوزه فرهنگ، عرضه بکنیم، حداقل پانزده بیست جلسه، نیاز داریم برای این که ابعاد مختلف اندیشه رهبر معظم انقلاب را راجع به آن، ورود بکنیم، توصیف بکنیم، توصیف بکنیم که ایشان چه می‌فرماید. این که تبیین بکنیم، تشریح بکنیم و نظریه‌پردازانه با قصه مواجهه داشته باشیم، قطعا فضای خیلی بیشتر می‌خواهد و اساسا این حقیر، مدعی هستم که می‌شود یک رشته در همین حوزه فرهنگ با نگاه امامین انقلاب، ارائه کرد. بنابر این، همان چیزی که ما در اینجا عرض خواهیم کرد، مقدمات و کلیاتی از مهم‌ترین وجوه دیدگاه رهبر معظم انقلاب راجع به فرهنگ است. سعی می‌کنیم در چند بخش، انشاءالله که برسیم؛ ابتدا راجع به چیستی فرهنگ خواهیم گفت، سپس راجع به چرایی فرهنگ، نکاتی را به اجمال عرض خواهیم کرد، بعد از او راجع به چگونگی فرهنگ، مرحله اقدام و عمل، مدیریت فرهنگ از نظر ایشان، نکاتی را خدمتتان عرض خواهیم کرد و بعد از او راجع به مسائل، معضلات و نگرانی‌های فرهنگی، اولویت‌های فرهنگی، دغدغه‌های فرهنگی رهبر معظم انقلاب به شکل بنیادین، نکاتی خدمتتان عرض خواهیم کرد. این که دغدغه‌های ایشان به طور کلی چه خواهد بود؟ روش‌های مد نظر ایشان، روش‌های تهاجم فرهنگی، روش‌های مواجهه با تهاجم فرهنگی، ابزار فرهنگی، این را انشاءالله نکاتی را خدمتتان عرض خواهیم کرد که کلیتی از عناصر مورد توجه رهبر معظم انقلاب در حوزه فرهنگ، تقدیمتان کرده باشیم.

چیستی فرهنگ و ماهیت آن

اولین حوزه‌ای که به آن می‌پردازیم، مقوله چیستی فرهنگ و ماهیت آن است. احتمالا مستحضرید که در حوزه فرهنگ، نظرگاه‌ها بسیار متنوع است و حداقل، چهارصد تعریف مقبول در حوزه مطالعات فرهنگی، از فرهنگ، ارائه شده. یک عده به وجوه عینی فرهنگ [پرداخته اند] یعنی مسأله فرهنگ را کلا در حوزه ذهنیات و خلیقات، خلاصه کرده‌اند. یک عده‌ای مسأله فرهنگ را با مسائل امور عینی و مادی، گره زده‌اند. برخی سعی کرده‌اند دیدگاه‌های تلفیقی داشته باشند. این نظرگاه‌ها بسیار متنوع است.

خب رهبر معظم انقلاب اگر به فرمایشاتشان مراجعه بکنیم، می‌بینیم که به همه این نگاه‌ها و دیدگاه‌ها ولو به کلیاتش توجه داشته‌اند اما دیدگاه بدیع خودشان را دارند. اجمالا اگر بخواهیم عرض بکنیم، از نظر رهبر معظم

انقلاب، فرهنگ، چند تا تعریف را از نظر ایشان خدمتتان طرح می‌کنم و بعد، یک جمع‌بندی ارائه می‌کنم. در یک جا می‌فرمایند: «**فرهنگ مثل روح در کالبد جامعه است**» و غیر فرهنگ، هر چه هست جسم، هر چه هست، کالبد است. یک جای دیگری تعبیر شبیه همین را دارند می‌فرمایند فرهنگ مثل هواست» همین تعبیر را داشته باشید. این که یک کسی فرهنگ را مثل هوا قلمداد می‌کند، به این معناست که هر عرصه‌ای از زندگی، هر لحظه‌ای و هر نقطه‌ای از زندگی ما که در نظر بگیریم و در آن لحظه و نقطه، فرهنگ وجود نداشته باشد، یعنی آنجا جای مرده است، آنجا حیات وجود ندارد. اگر عرصه اقتصادی است، عرصه اقتصادی بدون فرهنگ، یک عرصه مرده است. عرصه صنعتی بدون فرهنگ یعنی هوا ندارد، روح ندارد، و چیزی که روح و هوا نداشته باشد، فضا، فضای مرده است. عرصه سیاسی هم همین جور. نظامات سیاسی، کنش‌های کارگزاران، هر جایی شما تصویر بکنید با این تعریفی که رهبر معظم انقلاب ارائه می‌کنند که فرهنگ در آنجا حضور نداشته باشد، یعنی مرده است. یک جای دیگر می‌فرمایند که «فرهنگ به معنای خلیات و ذاتیات یک جامعه است» تفکراتش، ایمانش، آرمان‌هایش، وقتی که داریم می‌گوییم فرهنگ، یعنی آرمان‌های آن جامعه. هر جامعه‌ای هر آرمانی دارد، به هر چیز ایمان دارد، آن فرهنگش است، اگر به اصالت ثروت و تکاثر، ایمان دارد، این فرهنگ او جامعه را تشکیل می‌دهد. اگر به اصالت مصرف، اگر به اصالت اشرافی‌گری، یا آرمان آن جامعه این است که تا می‌تواند، پول جمع بکند، تا می‌تواند، طلا و جواهرات را انبار بکند، این به معنای این است که فرهنگ آن جامعه، فرهنگ تکاثر است. اگر ایمان و باور آن جامعه به ایثار و شهادت است، به حساب و کتاب و دنیاوی بعد از مرگ است، فرهنگ آن جامعه، فرهنگ عاقبت اندشی است، آخرت‌اندیشی است.

در تعریف رهبر معظم انقلاب با این شمولی که دارد، همه چیز به نوعی در حوزه فرهنگ قلمداد می‌شود. یک تعریف دیگر از ایشان ببینیم، می‌فرمایند علم هم جزء فرهنگ است. در تعبیر مرسوم معمولاً علم را جزء فرهنگ قلمداد نمی‌کنند اما ایشان می‌گویند که با یک تعریف، **علم هم جزء فرهنگ است؛ هنر هم جزء فرهنگ است؛ ادبیات هم جزء فرهنگ است**. یک جای دیگر البته یک اشاره دیگری دارند و می‌فرمایند مراد از این فرهنگ، فرهنگ مدروس و مکتوب مدرسی نیست، مراد ما فرهنگ به معنای عام است؛ به معنای علم و تحصیل و دانشگاه و امثال آنها هم می‌شود، اما بقیه فنون فرهنگ را هم شامل می‌شود. یک جای دیگر می‌فرمایند فرهنگ هم که می‌گوییم، اعم از مظاهر فرهنگی مانند زبان و خط و یا آنچه باطن و اصل تشکیل‌دهنده، یک جایی می‌فرماید خلیات و ذاتیات، اینجا می‌فرمایند باطن و اصل جامعه است. اگر تعبیراتی مثل «باطن جامعه»، «ذاتیات جامعه»، «روح جامعه»، «هواگونگی فرهنگ» را در نظر بگیریم، معلوم است شأن فرهنگ در نظر رهبر معظم انقلاب چیست.

به طور خلاصه اگر بخواهیم جمع‌بندی بکنیم، در نظر ایشان **فرهنگ شامل ادبیات، هنر، علم، عادات و اخلاق جامعه و سنن موجود جامعه است؛ شامل خصلت‌های ملی است**. یک جای دیگر می‌فرمایند مراد ما از فرهنگ، تمام ذهنیت‌هاست. اینجا جمع‌بندی‌اش را بخواهیم به طور خلاصه عرض بکنیم: خلیات و ذاتیات یک جامعه و بومی یک ملت، تفکراتش، ایمانش، آرمانش، ذهنیت‌های حاکم بر وجود انسان که رفتارهای او را سمتی هدایت می‌کند، تسریع یا کند می‌کند. این حداقل، نیمی از عوامل تعیین‌کننده و پیش‌برنده جامعه است. حالا راجع به این با هم گفتگو خواهیم داشت.

چند مثال روشن که ایشان مستقیماً به آن اشاره می‌کنند به عنوان مقوله‌های فرهنگی، عرض می‌کنیم تا مصادیق فرهنگ از نظر ایشان را ذهنیتی پیدا بکنیم. انضباط اجتماعی مقوله فرهنگی، وجدان کاری، ایثارگری، تعاون اجتماعی، سازگاری اجتماعی، پرهیز از اسراف، مسأله مصرف، روحیه قناعت، محکم کاری در تولید؛ محکم کاری در تولید، یک امر فرهنگی است. مسؤولیت‌پذیری، درستکاری، انسجام و اتحاد ملی، عفاف، ساده‌زیتسی، همه اینها ذیل مقوله فرهنگ قرار می‌گیرند. بنابر این، تعریف رهبر معظم انقلاب خیلی جامع و شامل است و همه چیز را به نوعی در حوزه فرهنگ، جا می‌دهند.

عرصه های فرهنگ

عرصه‌های فرهنگ، این که عرصه‌های فرهنگ، سطوح فرهنگ، ابعاد فرهنگ، بخش‌های مختلف فرهنگ چیستند؟ چند جا به فراخور، فرمایشاتی دارند ولی یکی از جامع‌ترین دسته‌بندی‌هایی که ارائه می‌کنند و همان را مبنای عمل مسئولین، توصیه می‌کنند باشد، فکر کنم در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی است، فرهنگ را به سه عرصه کلان، تقسیم می‌کنند: یکی **عرصه تصمیم‌های کلان کشور** است. فرهنگ در عرصه سطح اول، عرصه تصمیم‌های کلان کشور است. آنجایی که به تولید و محکم کاری می‌پردازد، فرهنگ ساختمان سازی، فرهنگ خدمات، فرهنگ کشاورزی، فرهنگ صنعت، فرهنگ سیاست خارجی و تصمیمات فرهنگی. از نظر ایشان این یک عرصه مهم فرهنگ است که عرصه اول فرهنگ است و مربوط به تصمیمات کلان نظام است.

عرصه دوم فرهنگ، **حوزه اخلاقیات اجتماعی** است، فرهنگ در عرصه ذهن و رفتار اجتماعی؛ مثل مسأله تدین و دین‌باوری مردم، فرهنگ زن و خانواده، فرهنگ ازدواج، فرهنگ حجاب و عفاف، فرهنگ انضباط اجتماعی، اعتماد به نفس و اعتزاز ملی. ببینید یک تفاوتی اینجا با آنجا دارد؛ آنجا عرصه تصمیم‌گیری است، فرهنگ صنعت و اقتصاد و سیاست خارجی را مسئولین باید برایش تصمیم بگیرند. به یک نوعی، به کنش‌ها و واکنش‌های

ذهنی و عملی مسؤولین امر، اتصال و ارتباط مستقیم دارد ولی اینجا با خلیقات عمومی، مرتبط است. آن چیزی که به خلیقات عمومی، بیشتر گره می خورد، حوزه های این چنینی مثل تنبیلی اجتماعی، فرهنگ رانندگی، فرهنگ تبلیغ، فرهنگ ایثارگری، روحیه قناعت، ساده زیستی، فرهنگ لباس.

یک عرصه دیگر، که این دسته بندی، دسته بندی خاص خودشان است، فرهنگ در **عرصه سیاست های کلان آموزشی و علمی دستگاه های موظف دولت** است. نحوه استفاده از مدیران و اساتید وفادار، نوسازی نظام آموزشی، افزایش آگاهی سیاسی دانشجویان، ترویج فرهنگ اقتباس. بیشتر اینجا انگار فرهنگ، فرهنگ عرصه علم است، فرهنگ عرصه تخصص و دانش است. عرصه اول، عرصه سیاست های کلان است. عرصه دوم عرصه خلیقات عمومی است. عرصه سوم عرصه ای است که بیشتر به حوزه علم، گره می خورد.

مبانی فرهنگ اسلامی

مقوله بعدی که در اینجا خیلی سریع به آن می پردازیم، فقط تیتروار به آن اشاره می کنیم و از آن می گذریم، مبانی فرهنگ اسلامی است. از نظر رهبر معظم انقلاب جهان بینی توحیدی، پنج تا رکن اصلی دارد که این ارکان در همه ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی باید مورد توجه باشد و بدون توجه به این ارکان جهان شناختی، فرهنگ و سیاست در نظام اسلامی، معنا نخواهد داشت. به طور خلاصه از نظر رهبر معظم انقلاب، پیرو این جمله مشهور شهید مدرس که «سیاست ما عین دیانت ماست» می توانیم بگوییم اقتصاد ما هم عین دیانت ماست، فرهنگ ما هم عین دیانت ماست. حالا دیانت ما چیست؟ این پنج تا رکن را دارد؟ رکن اول، **توحیدمحوری** است، رکن دوم **انسان محوری** است، رکن سوم **توجه به عاقبت امر و معاد** است، رکن چهارم استعداد بی پایان انسان و **کمال جویی** است، رکن پنجم جریان عالم به سمت **حاکمیت حق** است. عذر می خواهم که ما مجال نداریم روی اینها متوقف بمانیم.

اهمیت فرهنگ

یک عرصه خیلی مهم دیگر در نظرگاه رهبر معظم انقلاب که باید به آن پردازیم، مسأله اهمیت فرهنگ است. بعد از این که خدمتتان عرض کردیم که فرهنگ چیست، عرصه های فرهنگی کدامند، اینجا به اجمال، نگاه رهبر معظم انقلاب و در کنار آن، حضرت امام (رحمة الله علیه) را خدمتتان عرض می کنیم. اگر به تعریف رهبر معظم انقلاب از فرهنگ، توجه کرده باشید باید خود به خود به ذهنتان آمده باشد که چقدر شأن و منزلت دارد. خوب دیدگاه ها در عرصه های کنونی علوم انسانی، جایگاهش معلوم است. و یکی از مشهورترین نظرگاه ها نظرگاه های

مارکسیستی‌اند که معتقدند اقتصاد، زیربناست و فرهنگ، روبناست. تو بگو چه می‌خوری تا بگویم چگونه فکر می‌کنی. همه چیز بر می‌گردد به شیوه معیشت و سازمان تولیدی که در جامعه حاکم است. اگر سازمان تولید، کشاورزی است، اگر سازمان تولید، کاپیتالیستی است، اگر سازمان تولید، سوسیالیستی است، تابع آن، نوع فرهنگ هم شکل می‌گیرد. این مشهورترین دیدگاه راجع به نسبت فرهنگ با سایر مقوله‌ها بخصوص مقوله اقتصاد است. در نظر رهبر معظم انقلاب، فرهنگ، اصل است؛ فرهنگ ریشه است، فرهنگ اگر نباشد، هیچ چیز دیگری وجود و اصالت نخواهد داشت. عرض کردم به تعریف رهبر معظم انقلاب اگر بر گردیم، شأن و منزلت فرهنگ را متوجه می‌شویم. این که می‌فرماید «فرهنگ روح جامعه است، هر چیزی غیر فرهنگ، جسم است» یا یک جایی می‌فرماید «فرهنگ ستون فقرات حیات یک ملت و هویت یک ملت است» یک جای دیگر می‌فرماید «فرهنگ بستر اصلی زندگی انسان است»، عرض کردیم که می‌فرماید «فرهنگ مثل هواست» هوا نباشد، حیات نیست. یک جای دیگر می‌فرماید «همه راه‌ها واقعاً به فرهنگ ختم می‌شود». از هر طرف بروید، حتماً به فرهنگ خواهید رسید.

یک جای دیگر فرمایششان این است که می‌فرماید «همه آن چیزهایی که آینده را به وجود می‌آورد و تضمین می‌کند، عامل فرهنگی است. قوام یک کشور به فرهنگ است. ملیت یک کشور به فرهنگ آن ملت است. این جمله ایشان شاید تمام‌کننده باشد «فرهنگ یک ملت، منشأ عمده تحولات آن است». در این بیان می‌فرماید که من معتقدم ۷۵ درصد عامل تعیین‌کننده تحولات و حوادث اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، فرهنگ است. می‌گویند اگر دقت هم بکنند، آن ۲۵ درصد باقی‌مانده هم متأثر از عامل فرهنگی است. به طور کلی در نظر رهبر معظم انقلاب، انقلاب اسلامی یک انقلاب فرهنگی است. انقلاب اسلامی برای فرهنگ، رخ داده با بنیان‌های فرهنگی رخ داده و با هدف فرهنگی پیش می‌رود. راز شکل‌گیری انقلاب اسلامی، فرهنگی است؛ راه بقای او و تداوم حیات او هم در فرهنگ است. هدف اصلی انقلاب اسلامی، سیر الی الله، کمال انسانی است. سرنگون ساختن رژیم طاغوتی یک هدف مقدماتی است. هدف انقلاب اسلامی، رسیدن به یک جامعه الگوست. جامعه‌ای که مقدمه شکل‌گیری تمون نوین اسلامی و بعد از آن، مقدمه‌ای باشد برای جامعه مهدوی.

فرهنگ از دیدگاه امام خمینی

یک اشاره‌ای را اینجا بکنم چون این بحث حضرت امام (رحمة الله علیه) به تمام بحث‌های حوزه فرهنگ و اساساً مسائل بنیادین انقلاب اسلامی، گره جدی می‌خورد. حضرت امام در کتاب «جنود عقل و جهل» و کتاب «چهل حدیث» یک بحث‌های مفصلی راجع به ماهیت انسان و اهداف انسان و فطرت انسانی دارند که رهبر معظم انقلاب

هم در سخنرانی‌هایشان به این نگاه، اشاره دارند و یکسانی در نگاه، اینجا وجود دارد. در نظر حضرت امام در کتاب جنود عقل و جهل یک حدیث از حضرت امام صادق (علیه السلام) طرح می‌کنند. مطابق با حدیث شریف، فطرت انسان، کمال جوست؛ انسان دارای قوه عقل است؛ کل عالم هستی از قوه عقل تشکیل شده. در ابتدای خلقت، خداوند عقل را خلق کرد و به او گفت: پشت کن، و بعد به او دستور داد و گفت: رو کن، ادبار کن و اقبال کن. عقل اطاعت کرد. به جهل هم همین را گفت و جهل، ادبار کرد ولی در اقبال، اطاعت نکرد و تخاصم و تنازع از همین جا شروع شد. در نظر امام، عقل، مادر تمام نیکی‌ها، خیرات، کمالات و زیبایی‌هاست و جهل، نقطه مقابل اوست؛ منبع تمام پستی‌ها، ظلم‌ها، رذالت‌ها، زشتی‌ها، قصور و شرور است. جهل، ابلیس الابالسه است؛ ابلیس ابلیس‌هاست. بعد می‌فرماید عقل به دلیل اطاعتش، خداوند ۷۵ جند به او داد و جهل، معترض شد و گفت چرا به عقل، ۷۵ جند دادی؟ و به او هم ۷۵ تا جند داد. در نظر حضرت امام، انسان دارای سه قوه مهم است: قوه وهمیه، قوه شهویه و قوه غضبیه. فطرت کمال جوی انسان این قوا را به خدمت می‌گیرد و در راستای کمال خودش از آن بهره می‌گیرد. اگر این قوا تحت مدیریت عقل قرار گرفت و به اعتدال، از آن استفاده شد؛ اگر قوه وهمیه به اعتدال، از آن استفاده شد؛ اگر قوه شهویه به اعتدال، از آن استفاده شد؛ اگر قوه غضبیه به اعتدال، از او استفاده شد، این فرهنگ جامعه توحیدی را پیش خواهد بود و به جامعه توحیدی، رنگ و بوی الهی و دینی خواهد داد ولی اگر نه، یکی از این قوا غلبه پیدا کرد، مثلاً قوه وهم بر عقل، سوار شد و او را تحت سیطره و سلطه قرار داد، در این صورت، یا قوه غضب یا قوه شهوت، این فرهنگ از ریل فرهنگ توحیدی، خارج خواهد شد. بعد، امام یک بحث مفصلی دارند که انواع حکومت‌ها هم متأثر از همین نوع غلبه یکی از قوا شکل خواهد گرفت؛ اگر قوه وهمیه، غلبه پیدا کرد نوع حکومت، حکومت شیطانی خواهد بود؛ اگر قوه سبیه غلبه پیدا کرد، حکومت، حکومت پلنگ‌شیرگرگ خواهید بود؛ اگر قوه شهویه غلبه پیدا کرد، عذر می‌خواهم اگر قوه شهویه غلبه پیدا کرد، حکومت، حکومت گاوی خواهد بود. این ادبیات، ادبیات امام است.

بهترین حکومت، حکومتی است که این سه قوه تحت مدیریت عقل قرار بگیرد. این کامل‌ترین نوع حکومت است و بدترین حکومت، حکومت مقابل این است؛ زمانی است که هر سه قوه وهمیه، غضبیه و شهویه از حد اعتدال، خارج شده و عقل را مغلوب و منکوب خودشان می‌کنند. اینجاست که حکومت شیطان بزرگ شکل می‌گیرد؛ حکومت ابلیس بزرگ شکل می‌گیرد. این مال ادبیات زمان انقلاب حضرت امام نیست، مال مثلاً دوره چهل سالگی حضرت امام است حدود سال ۱۳۱۰، ۲۰ شمسی. با این نگاه، از نظر حضرت امام (رحمة الله علیه) کامل‌ترین فرهنگ و جامع‌ترین فرهنگ، فرهنگی است که تحت مدیریت عقل قرار بگیرد و قوای سه‌گانه،

مغلوب او باشند. این فرهنگ، فرهنگ معتدلی خواهد بود و چنین فرهنگی، فرهنگ به سمت کمال است. هر کسی پیدا شد مدعی اعتدال شد بدون این که به این نگاه، توجه بکند، او نمی‌تواند اعتدال را برقرار بکند. انسان معتدل، جامعه معتدل، سیاست معتدل، اقتصاد معتدل، فرهنگ معتدل، آنی است که غلبه و سیطره را به عقل بدهد و همه چیز را تحت مدیریت عقل قرار بدهد.

مدیریت فرهنگ

اما مسأله بعدی که می‌خواهیم به آن پردازیم، مسأله مدیریت فرهنگ است. این که فرهنگ آیا امر قابل مدیریتی هست یا نیست؟ آیا می‌توان فرهنگ را مدیریت کرد یا نه؟ من اجمالاً در چند دقیقه، این نکته را خدمتان عرض می‌کنم، بعد، یک تنفسی خواهیم داشت، انشاءالله در ادامه به طور مفصل‌تری به این موضوع خواهیم پرداخت.

دو نظرگاه کلی وجود دارد. **یک** نظرگاه مدعی است که امر فرهنگ مثل همه ابعاد زندگی باید به طور کامل، مدیریت بشود و به هیچ وجه نباید آن را رها کرد، همچنانی که ما حوزه اقتصاد و صنعت را به طور کامل مدیریت می‌کنیم، حوزه فرهنگ هم هیچ تفاوتی نمی‌کند و باید حوزه فرهنگ را هم همه ابعادش را در مشت گرفت و سیاست‌گذاران نگذارند یک لحظه و یک آن فرهنگ، رها باشد. **یک عده دیگری** بر این باورند که فرهنگ، یک امر سیال است که دم‌به‌دم تغییر می‌کند. شما آیا می‌توانید هوا را مدیریت بکنید؟ اینها چنین ادعایی دارند. حوزه فرهنگ هم، چنین فضایی دارد و شما نمی‌توانید اساساً فرهنگ را مدیریت کنید. حوزه فرهنگ یک حوزه مدیریت‌ناپذیر است.

از نظر رهبر معظم انقلاب در هر دو نگاه، افراط و تفریط وجود دارد؛ هم آنهایی که می‌گویند مطلق باید حوزه فرهنگ را در چنگ گرفت و همه ابعادش را به طور کامل مدیریت سیاسی و رسمی کرد، هم آن کسانی که معتقدند باید حوزه فرهنگ را رها کرد. عموماً لیبرال‌ها نگاه دوم را دارند. جالب است که این ادعای لیبرال‌ها ادعای در نظر است، مثل خیلی ادعاهایشان در نظر است، یک چیزی می‌گویند و در عمل، یک کار دیگری می‌کنند. لیبرال‌ها معتقدند که حوزه فرهنگ، یک امر مدیریت‌ناپذیر است. البته عرض کردم که این را خطاب به ما می‌گویند، اما خطاب به خودشان، این نگاه را ندارند مثلاً در حوزه فضای مجازی، معتقدند حوزه فضای مجازی، حوزه فرهنگ است، حوزه سیالی است، شما نمی‌توانید مدیریتش بکنید، رهاست، باید کار خودش را بکند. کار خودش را بکند، جلو می‌رود و شما را جلو می‌برد، اما اگر جلویش را بگیرید، به شما ضربه می‌زند و نوعی

دیکتاتوری است و باعث عدم رشد جامعه می‌شود، ولی در عمل می‌بینید که فیلترینگ فضای مجازی، محدود کردن نظرات مخالف در فضاهایی مثل اینستاگرام و اینها به طور جدّ، مورد اهتمام و توجه آنهاست.

رهبر معظم انقلاب معتقدند که حوزه فرهنگ قطعا حوزه‌ای است که باید مدیریت بشود. اگر حوزه فرهنگ اهمیت دارد، اگر اصالت دارد، اگر پاکی فضای فرهنگی مهم است، یک جا می‌فرمایند که شما چجوری حاضر نیستید به بچه‌تان غذای مسموم بدهید؟ حوزه فرهنگ هم، چنین فضایی است، باید عینا همین دغدغه را داشته باشید راجع به فرهنگ که نگذارید آن غذای روحی که در اختیار جامعه قرار می‌گیرد، مسموم باشد. شما چجوری وزارت بهداشت دارید که محصولات غذایی را کنترل و نظارت می‌کند تا مبادا محصولی مضر به حال جامعه به بازار بیاید و در اختیار مردم قرار بگیرد؟ در حوزه فرهنگ هم باید همین کار را بکنید. همچنانی که آن حوزه بهداشت جسم و سلامت جسم را مدیریت می‌کنید و توجه دارید که مردم گرفتار نشوند، باید در حوزه فرهنگ هم همین کار را بکنید. حوزه فرهنگ، حوزه تغذیه روح است. بنابر این، اینجا هم باید مدیریت بشود. حالا باید در مدیریت فرهنگ چه کرد؟ انشاءالله در ادامه خدمتتان عرض خواهیم کرد. در خصوص مدیریت فرهنگ، یک نکاتی داشتیم خدمتتان عرض می‌کردیم. به طور کلی در نظر رهبر معظم انقلاب، امر مدیریت فرهنگ، یک امر واجب و لازم است اما با نگاه متعادل.

فرهنگ از نگاه مقام معظم رهبری

چند تا جمله از رهبر معظم انقلاب عرض می‌کنم خدمتتان را اهمیت این نگاه را در چارچوب دیدگاه‌های ایشان متوجه باشید چون متأسفانه در کشور ما بخصوص در حوزه فرهنگ، رهاسازی و بلا تکلیف رها کردن مقوله‌ها و عناصر مختلف فرهنگی و ابزار فرهنگی و شیوه‌های فرهنگی، یک شیوه‌ای شده برای توجیه عدم کفایت و مسؤولیت‌گریزی خیلی از مسؤولین کشور. به این نگاه، توجه بکنید و ببینید که الان ساختارهای مختلفی که موظفند این کارها را بکنند، چه جایگاهی دارند.

اینجا می‌فرمایند که اولاً فرهنگ یک مسأله حیاتی و اساسی جامعه است پس دخالت در آن، ضروری است «اگر فرهنگ یک کشور، فرهنگ منحنی بود، اگر رشد اقتصادی هم پیدا کند، به ضررش تمام خواهد شد، اگر رفاه هم پیدا کند، رفاه او را به فساد خواهد کشاند، چنانچه آزادی و دموکراسی و حق رأی و اینها هم داشته باشد، موجب هرج و مرج و موجب فساد و تباهی او خواهد شد؛ یعنی فرهنگ، ذهنیت و عقلانیت جامعه، و بقیه امور مرتبط با بشر است، پیدا است که عقل و ذهن انسان، راهنما و جهت‌بخش است. اگر جامعه‌ای ثروتمند هم باشد، اما

عقل درستی نداشته باشد، این ثروت را به باد خواهد داد» بنابر این، حوزه فرهنگ، خیلی خیلی مهم است، باید مدیریتش کرد. اگر مدیریت نکنید، به هر سطحی از پیشرفت برسید، به هر سطحی از صنعت برسید، آن صنعت و آن پیشرفت و حتی آن دموکراسی مضر به حال شما خواهد بود.

نکته دوم این است که عرض کردیم از نظر ایشان دخالت در فرهنگ باید ضابطه داشته باشد نه افراطی: رهاسازی کامل فرهنگ و یا سخت گیری خشن، هر دو غلط است. ما نمی‌خواهیم با نگاه افراطی به مقوله فرهنگ نگاه کنیم؛ بایستی نگاه معقول اسلامی را ملاک قرار داد و نوع برخورد با آن باید مطابق ضوابط اسلامی باشد.

اما این که مدیریت فرهنگ چیست؟ وقتی که می‌گوییم مدیریت فرهنگ، مفهومش چیست؟ با ادبیات مختلف به این مقوله اشاره می‌کنند. یک جا می‌فرمایند: مدیریت فرهنگ یعنی وضع ضابطه و قانون‌گذاری در فرهنگ. مجلس ما، شورای عالی انقلاب فرهنگی، نهادهای مسؤول، قوانین مناسب در حوزه مثلاً سینما، هنر، تلویزیون و اینها وضع بکنند که فرض بکنید شیوه پوشش در سینما چگونه باشد یا شیوه روایت‌گویی، چه قواعدی را مراعات بکنند؟ یا صداوسیما، خود رهبر معظم انقلاب مفصل راجع به این قضایا رهنمون دارند که ما مجال نمی‌کنیم. انشاءالله یک عمری، یک جای دیگری خدمت عزیزان باشیم یا خودتان بروید مراجعه بکنید این مباحث را ببینید بخصوص در کتاب «فرهنگ» که ما با یکی از دوستان و اساتید، توفیق داشتیم راجع به فرمایشات آقا کار بکنیم، این را آنجا مفصل به آن پرداخته‌ایم. بنابر این، ضابطه داشتن و قانون‌گذاری، خودش یک شیوه معقول مدیریت فرهنگ است.

یک جای دیگر می‌فرمایند: مدیریت فرهنگی، در مقابل هرج و مرج فرهنگی است؛ به معنای استبداد و به معنای تحمیل نیست، به معنای بد رایج در میان ما نیست. مدیریت فرهنگی یعنی فرهنگ را رها نکنید. نگذارید هر جوری اهالی به اصطلاح، حوزه فرهنگ، سینما، هنر، ادبیات، هر گونه دلشان خواست، بنویسند، هر گونه دلشان خواست، فیلم بسازند. به مثال‌هایی در این جهت انشاءالله اگر رسیدیم، اشاره خواهیم کرد هم در صداوسیما هم در سینما و هم در حوزه‌های دیگر ادبی و هنری.

یک جایی می‌فرمایند: آنچه که در مقوله فرهنگ بر عهده حکومت است، عبارت است از نظارت هوشمندانه، متفکرانه، آگاهانه، مراقبت از هرزروی نیروها و هرزه‌رویی علف هرزه‌ها، هدایت جامعه به سمت درست، کمک به رشد و ترقی فرهنگی افراد جامعه. در مقابل هجمه‌ای که امروز وجود دارد نمی‌شود بیکار نشست و نظارت را از دست داد. بایستی با دقت، مراقب رفتار و حرکت فرهنگی جامعه بود و برنامه‌ریزی کرد. در همین عبارت ببینید چقدر حرف هست: نظارت هوشمندانه، متفکرانه و آگاهانه؛ مراقبت از هرزروی نیروها، هرزروی یعنی این که خیلی

وقت‌ها شما نیروهای مناسب و باکفایتی دارید. یک وقت هست یک سری نیروها از قدیم به ارث رسیده‌اند و ذائقه و بنیان فکری‌شان یک چیز دیگر است ولی گاهی وقت‌ها هست که یک سری نیروها در جبهه انقلاب، در دستگاه انقلاب و تحت مدیریت مدیران انقلابی رشد کرده‌اند اما چون شما مدیریت نمی‌کنید، آین آدم‌ها به هر سمتی می‌روند، به هر سویی حرکت می‌کنند. این دست آدم‌ها را اگر مدیریت نکنید، هرزروی نیروها می‌شود. شاید به نظر من یک مثالش در حوزه سینما، آقای محمدحسین مهدویان باشد. از فیلم‌های خوب در خصوص دهه شصت، کارش به «شیشلیک» می‌کشد که همه بنیان‌های انقلاب را زیر سؤال می‌برد. از مستند خوبی که راجع به شهید باقری و رزمندگان دفاع مقدس ساخت از «ایستاده در غبار» کارش به «شیشلیک» می‌کشد، چیزی که یک جورهایی به تعبیر بعضی‌ها لنگ سینمای ما الآن می‌تواند یکی از مثال‌هایش همین کار باشد. این یعنی این که شما مدیریت نمی‌کنید این آدم‌ها، این جوان‌ها. حالا البته نگاه بدبینانه این است که ایشان از همان اول، یک جور دیگری بود. البته من به این خیلی اعتقاد ندارم. یک مثال.

یا هرزه‌روی علف هرزه‌ها: هرزه‌روی الآن باز هم در عرصه سینما چقدر فراوان است؟ شاید تا الآن میزان علف‌های هرز سینما خیلی بیشتر از آن کشت‌های مناسبی است که باید وجود داشته باشد.

هدایت جامعه به سمت درست، کمک به رشد و ترقی فرهنگی افراد جامعه: خیلی جاها محصولات فرهنگی‌ای که در اختیار مردم قرار می‌گیرد، هیچ کدام از این قواعد را ندارد؛ چون عرصه فرهنگ مدیریت نمی‌شود.

جای دیگر می‌فرمایند: باید مراقب بود که به عنوان و نام آزادی در گرداب بی‌بندوباری نیفتیم. بنابر این باید برای مدیریت فرهنگ، کار کرد. عرض کردیم عرصه‌هایی که می‌فرمایند باید مدیریت بشود، چند تا عرصه است؟ عرصه تصمیم کلان کشور، عرصه شکل‌دهنده به ذهن و رفتار جامعه که مثال‌هایش را عرض کردیم. اما الزامات و شرائط کار فرهنگی چیست؟ کسی که بخواهد کار فرهنگی بکند، چه لوازمی را باید مراعات بکند؟ باید اولاً برنامه‌ریزی کرد. ثانیاً باید فرهنگ در اولویت بودجه‌ها قرار بگیرد. از نظر رهبر انقلاب، فرهنگ در اولویت بودجه نیست. فرهنگ یک حوزه مظلوم است که به آن، توجه و اعتنا و اهتمام لازم نمی‌شود. الآن خیلی جاها می‌بینیم هر جا مسئولین، کم می‌آورند، از بودجه دستگاه‌های فرهنگی می‌زنند. این را خیلی شنیده‌اید. این یعنی این که حوزه فرهنگ حوزن مظلومی است. حوزه‌ای است که اولاً از همان ابتدا بودجه‌های تخصیصی‌اش بسیار کم است. بعد از این که تخصیص هم پیدا می‌کند، در میانه راه، به هزار و یک شکل، صرف‌جا‌های دیگر می‌شود یا خرج‌جا‌هایی می‌شود که علی‌الظاهر، دچار کمبود است. بنابر این در حوزه فرهنگ از نظر رهبر معظم انقلاب باید مدیریت کرد.

چه دستگاه‌هایی مسؤولند؟ همه مسؤولند. از نظر رهبر معظم انقلاب، همه دستگاه‌ها وظایف خودشان را دارند حتی دستگاه‌های صنعتی، حتی اداره محیط زیست، اداره کشاورزی. عرض کردیم اگر بخشی از عرصه‌های کلان فرهنگی مربوط به حوزه صنعت و کشاورزی و اینهاست، بنابر این، دستگاه‌های این حوزه، موظفند کار بکنند. صنعتگران و مدیران صنعتی، موظفند به نگاه فرهنگی توجه داشته باشند، در حوزه فرهنگ هم همچنین، در حوزه بهداشت هم همچنین. در همه حوزه باید نگاه فرهنگی، مورد توجه باشد. اما مشخصاً مرکز و قرارگاه فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، شورای عالی انقلاب فرهنگی است که همه باید خودشان را با او هماهنگ کنند. اینجاست که جایگاه بی‌بدیلی در مدیریت فرهنگی کشور است.. بعد می‌فرماید که کار شورا هم قانون‌گذاری نیست، مجلس است که قانون‌گذاری می‌کند. شورا مرکز سیاست‌گذاری برای دستگاه‌هاست، نقش هدایت‌کننده و تغذیه‌کننده سایر دستگاه‌ها را به عهده دارد. شورا، مجلس و دولت، مکملند. شورا همکار حوزه و دانشگاه است. خط مقدم، شورا است. ثقل اکبر، فرهنگ است که بار آن بر دوش شورا است. وظایف متعددی برای شورا می‌شمرند که اینجا مجالش را نداریم. انشاءالله این مطالب را در اختیار شما قرار بدهند.

یک جایی، رهبر معظم انقلاب ارزیابی کردند حوزه‌های فرهنگ را و این ارزیابی مقداری ارزیابی قدیم‌تری است و شاید الآن ارزیابی ایشان را بشنوید، ارزیابی کمی سخت‌تر و منفی‌تری خواهد بود. ایشان معتقدند که در خیلی از موارد، ما عملکرد مناسبی نداشتیم: برداشت من در حدی که از قضایا مطلعم، این است که کارایی ما متناسب با آن زمینه مساعد نبوده است. ما خیلی جاها زمینه مساعدی برای کار داشته‌ایم اما کارهای ما متناسب نبوده. این، گناه کسی نیست اما مقایسه بین این دو، آنچه که باید باشد و آنچه که هست، بایستی ما وادار کند که بینیم نقص‌های ما کجاست. بعد می‌فرمایند که باید بینیم اشکال کار کجاست؟ آیا خطوط موازی در کار تبلیغ بوده؟ کانون واحدی نداشته‌ایم که این اشکالات فرهنگی و این کاستی‌های فرهنگی را داریم؟ آیا نابلدی در کار کارگزاران وجود داشته؟ آیا بین دستگاه‌های مختلفی که موظف بوده‌اند، تعارض وجود داشته؟ مثلاً یک کسی گفته فضای مجازی باید مدیریت بشود، یک کس دیگری گفته نباید مدیریت بشود. فراوان از این فضاها هست. آیا این است؟ آیا درست نشناختن کارهای بااولویت باعث شده که ما در خیلی جاها موفق نباشیم؟ این مسأله اولویت در نظرگاه رهبر معظم انقلاب، خیلی مورد اشاره است. ایشان در همه جا به آن اعتنا و اهتمام دارند، در حوزه فرهنگ هم همچنین. یک بیان قدیمی دارند از پیش از انقلاب که در «طرح کلی اندیشه» به آن، اهتمام داشته‌اند و الآن مکرر به این نگاه، اشاره کرده‌اند که ما خیلی از مسائل هستند که مسأله هستند، ولی مسائل لازمی نیستند. خیلی از مسائل هستند که لازمند اما ضروری نیستند. خیلی از مسائل لازم ضروری هستند اما حیاتی نیستند. فرض بکنید ما به جسم

خودمان نگاه می‌کنیم، انگشتمان بریده، سرمان هم درد می‌کند اما مشکل قلبی داریم هزینه و زمانمان هم محدود است. باید به کدام مسأله و نقص و بیماری در بدنمان پردازیم؟ آیا به زخم کوچک در انگشت باید پردازیم یا نه باید به مشکل قلبی مان؟ اصل این مسأله، مسأله حیاتی است. ایشان می‌فرمایند در خیلی جاها نقص ما در این است که به اولویت‌ها نپرداختیم. زمان و هزینه محدودی که در اختیار داشتیم را صرف کارهای با اولویت چندم کردیم.

آیا کمبودها و امکانات مالی، مؤثر بوده؟ بله. خیلی جاها حقیقهٔ ما امکانات مالی لازم را یا در اختیار نداشتیم یا نه، بودجه لازم را در ابتدا عرض کردیم که تخصیص ندادیم. آیا وجود دشمنان و دستگاههای تبلیغاتی کارآمد و مجهز آنها؟ رهبر معظم انقلاب می‌فرمایند که در حوزه فرهنگ، مثل سایر حوزه‌ها هم دشمن بیرونی، مؤثر است، همچنان که در اقتصاد، دشمن بیرونی مؤثر است، هم دشمن درونی، هم خودمان مقصیریم هم دیگران فعالند که ما را به زمین بزنند، در عرصه فرهنگ هم همین جور است. خیلی از عدم توفیق‌های ما ناشی از مدیریت دشمن است؛ ناشی از توان و تجهیزات و فهم است. یک جایی می‌فرمایند که فکر نکنید کار فرهنگی و پیکار نظری که یکی از ابعاد بسیار مهم حوزه فرهنگ و تهاجم فرهنگی است، فکر نکنید کار پخته‌هاست، نه، کار زبدگان و برجستگان فرهنگی دشمنان ماست. آنها می‌نشینند، آدم‌های درجه‌اولشان برای فرهنگ ما مطالعه می‌کنند و فکر می‌کنند و مدیریت می‌کنند. بنابر این در نظر رهبر انقلاب، همه اینها را باید دید. ما خیلی جاها بودجه لازم را تخصیص ندادیم؛ خیلی جاها بودجه‌هایمان را هدر دادیم و به اولویت‌های دست‌چندم پرداختیم. خیلی جاها کوتاهی کردیم، خیلی جاها تعارض بین دستگاه‌ها داشتیم و هر کس، راه خودش را رفته. خیلی جاها بدون فکر و بدون هوشمند و آگاهی، کار کردیم و البته در کنارش باید به کار دشمن هم توجه داشت و به مدیریت دشمن هم توجه کرد. و باید بدانیم که ما یک دشمن مجهز قوی با چشمان باز داریم که همه جا حواسش هست و برای فرهنگ ما، اقتصاد ما، سیاست ما مدیریت می‌کند.

دلایل عدم موفقیت فرهنگی

نکته آخری که اینجا می‌خواهم به آن پردازم، مسأله عرض کردیم در نظرگاه رهبر معظم انقلاب باید فرهنگ را مدیریت کرد. مدیریت فرهنگ یعنی ضابطه گذاشتن، یعنی قاعده گذاشتن، یعنی قانون گذاشتن در حوزه فرهنگ، یعنی جلوگیری از هرج و مرج فرهنگی؛ جلوگیری از بی‌بندوباری فرهنگی، جلوگیری از هرزه‌روی در حوزه فرهنگ. این یعنی مدیریت فرهنگ. خوب عرض کردیم که ایشان فرمودند ما خیلی جاها موفق نبودیم،

توفیقاتی نداشتیم. زمینه‌ها مساعد فراوانی داشتیم ولی با توجه به زمینه‌های مساعد و با وجود همه امکانات و کمیت‌ها و دشمنی‌ها می‌توانستیم بهتر عمل بکنیم اما نکردیم.

یک دلیلش را می‌فرمایند این است که ما به **اولویت‌ها** توجه نکردیم. خوب ما یک مطالعه مجزای جدی برای یکی دو تا دستگاه انجام دادیم که اگر بخواهیم اولویت فرهنگی را از نظر فرهنگ انقلاب، احصا بکنیم و بگوییم که خوب ایشان می‌فرمایند شما باید اولویت تعیین بکنید و این اولویت‌های فرهنگی را در مسیر مدیریتتان قرار بدهید و روی آن کار فرهنگی بکنید، تولید سینمایی بکنید؛ تولید هنری بکنید. این اولویت‌ها چیستند؟ این اولویت‌ها را به طور کلی با دو وجه می‌شود تدوین کرد:

یکی با همان نگاهی که عرض کردم، این که حضرت امام می‌فرمایند هدف ما و فطرت انسان، ما را به سمت خدا، خداوند فطرت انسان را یک جوری آفریده که کمال جوست، دنبال بهترین‌هاست و اگر این فطرت کمال جو تحت مدیریت عقل و با اعتدال بخشی به سه قوه وهمیه، شهویه و غضبیه جلو رفت، جنود عقل سیطره پیدا کردند بر جنود جهل، این دارد متعادل پیش می‌رود و ما را به اهداف می‌رساند، ولی خیلی وقت‌ها ما این کار را نمی‌کنیم و این جابجایی‌های صورت می‌گیرد، جنود عقل، مغلوب جنود جهل می‌شوند و ما گرفتار بیماری‌ها و معضلات مختلف فرهنگی می‌شویم به خاطر عملکرد خودمان. این الزاما ربطی به دشمن بیرونی ندارد. این نوع بیماری‌ها را اگر بخواهیم احصا بکنیم، ایشان در دو سه جا به آنها اشاره می‌کنند که من به تعدادی از آنها در اینجا اشاره می‌کنم:

فردگرایی در کار، یکی از معضلات فرهنگی ماست. طلاق: باز هم به نظر ایشان یک معضل فرهنگی است. مسأله اعتیاد، عدم رعایت حق همسایگان، ضعف صلح رحم، ضعف فرهنگ رانندگی، ضعف فرهنگ آپارتمان نشینی، نداشتن الگوی تفریح سالم، مشکل معماری. همه اینها را می‌شود مفصل با نگاه آقا خیلی‌ها ایشان را به آنها پرداخت. مثلاً همین مشکل معماری را، خوب ما الآن با یک نوعی بی‌هویتی فرهنگی تمام‌عیار در حوزه معماری، روبه‌رو هستیم. یک زمانی می‌گفتند فقط تهران است که غرب‌زده است. غرب‌زده هم نیست، بالأخره پاریس، لندن، رم و سایر شهرهای مدرن، یک قواعدی دارند، یک نظمی دارند، یک ساختاری دارند، یک هویت نسبی برای خودشان دارند ولی تهران تقریباً می‌شود گفت یک شهری است که از هویت، بی‌بهره است. خوب این بی‌هویتی به سایر شهرها سرایت کرده، حتی جای مثل قم. الآن شما قم را خوب بالأخره مسجد، خیلی ساخته می‌شود. گنبد و بارگاه و مسجد و اینها یک هویت ضمنی می‌دهد ولی نوع آپارتمان‌هایی که ساخته می‌شود، نوع کوچه‌ها و نوع

خانه‌سازی‌ها، بحث مفصلی است که اهلش باید خدمت شما بگویند و بشنویم و همه‌مان دغدغه داشته باشیم. الآن ما در حوزه معماری، مشکل داریم به نظر ایشان، و یک اولویت مهمی است و باید به آن پرداخت.

در **مسئله طراحی لباس**: در مسئله طراحی لباس، ما چقدر معضل و مشکل داریم. خب خیلی از جاها سردرگمی‌ها و شلختگی‌های فرهنگی که در حوزه لباس می‌بینیم، ناشی از این است که افراد نمی‌دانند باید چکار کنند؟ بالأخره ماهواره‌ها خط می‌دهند؛ سلبریتی‌ها خط می‌دهند؛ آدم‌های ذی‌نفع، خط می‌دهند. دشمن دارد توطئه می‌کند، جنس لباس ما، ولی شما آیا برنامه دارید آن هم در جایی مثل صداوسیما. در جایی مثل صداوسیما، واقعاً آیا نمی‌تواند به این موضوع، اهتمام داشته باشد؟ الآن صداوسیما با معضل بسیار جدی در این حوزه، روبه‌روست. یک جایی، رهبر معظم انقلاب می‌فرماید که یکی از شیوه‌های فرهنگ‌سازی و شکل دادن به فرهنگ‌ها، اولاً ایشان می‌فرماید که در همه جا در مدرسه، در خانواده، در کوچه، در بازار، در هر جایی برویم، یک دستی در کار است که به فرهنگ مردم شکل می‌دهد. همه جا. هیچ جا را نمی‌شود گفت که فرهنگ خود به خود دارد شکل می‌گیرد. یک کسی یک جایی، صداوسیما، شبکه مجازی، معماری، خیابان، پلیس، اینها دارند به فرهنگ مردم شکل می‌دهند.

این سخنرانی بسیار بسیاری مهم است، می‌گوید: یکی از بهترین شیوه‌ها و یکی از مهم‌ترین شیوه‌های فرهنگ‌سازی و شکل دادن فرهنگ و تغییر فرهنگ، **ایجاد عادت** است. مثالشان این است که گاهی در یک جامعه، عادت خوب پوشش وجود دارد اما یک عده‌ای می‌آیند ذره‌ذره بر جامعه، نوع پوشش خاصی را به آرامی در مرآ و منظر همه قرار می‌دهند و آرام آرام، ذائقه مردم عادت می‌کند. وقتی که آرام آرام ذائقه مردم عادت کرد، آن را می‌پذیرند. شاید مثلاً دو سال پیش واقعاً کسی باور نمی‌کرد که در شهری مثل قم، تردد خانم‌ها به این شکل، خیلی راحت پذیرفته بشود و شاید نوع پوشش‌های خاص، مختص خیابانی مثل صفائیه بود. اما الآن هر جا می‌روید، می‌بینید یک خانمی با پوششی که شلوارش تا ساق پا یا زیر زانوی اوست. چه اتفاقی افتاده؟ چگونه این ذائقه شکل گرفته؟ مدیریت شده چنین چیزی. الآن در صداوسیما هم همین معزل وجود دارد. الآن مجری‌های مختلف صداوسیما را می‌بینید زن و مرد، نوع پوشششان نشان می‌دهد که البته من می‌گویم آنجا هم نوعی توطئه وجود دارد. مثلاً مجری «ترانه‌باران» را ببینید لباس‌هایشان را، یک برنامه پرمخاطبی است. مجری برنامه «شوتبال» را ببینید، مجری‌های مختلف برنامه‌هایشان را ببینید، مجری‌های مرد برنامه‌های مهم را ببینید. این شلوارها را نمی‌دانم چجوری به پا می‌کنند؟ شلوارهای تنگی که حیا در آن وجود ندارد.

معضل دروغ‌گویی، تبلی، غیبت، پرخاشگری، پایمال کردن، اینها همه مورد اشاره مستقیم رهبر معظم انقلاب است. ایشان می‌فرماید که اینها، قانون‌گریزی، ضعف وجدان کاری، ضعف انضباط اجتماعی، ضعف محکم کاری، حرف‌گرائی، حرفی، حرفی، حرفی بخصوص در مسئولین، چقدر اینها حرف می‌زنند؟ خب آدم می‌خواهد یک جلسه معمولی مثل همین جلسه که ما در خدمت شما هستیم، ساعت‌ها باید مطالعه بکند، باید آمادگی داشته باشد. یک مقام مسؤولی که هزار و یک مشغله دارد و فرصت برای سر خاراندن نباید داشته باشد، از این منبر می‌پرد به آن منبر. حرفی. خب معلوم است که وقتی زیاد حرف می‌زنی، حرف بامایه هم نمی‌توانید بزنید، لغزش کلامتان هم بیشتر خواهد بود، اثر منفی‌تان هم بیشتر خواهد بود. ربا، ضعف حقوق خانواده و ... بنابر این، یک عرصه تخصص اولویت‌ها این است که ببینیم بیماری‌های درون جامعه ما چیست؟ این بیماری‌ها را الزاما به برون نمی‌توانیم نسبت بدهیم مثل فرهنگ رانندگی.

یک راه تشخیص اولویت‌ها که حتما باید به آن توجه کنیم، مسأله تهاجم فرهنگی است. انقلاب اسلامی افتاده که ما را از سمت جامعه جهانی به سمت ارزش‌های توحیدی حرکت بدهد و تهاجم فرهنگی، درست، نقطه مقابل این هدف است. تهاجم فرهنگی به نظر رهبر معظم انقلاب، تاریخچه دیرینی دارد، از زمان رضاخان این حرکت شروع شده، مختص به بعد از انقلاب نیست. در بعد از انقلاب هم مشدد شده. این را توجه کنید که ما در ادبیات خیلی از مدیران هم می‌بینیم که به این نگاه، توجه کنید، فکر می‌کنند بحث‌های رهبر معظم انقلاب بحث‌های متأخری است. نه، از همان زمان ریاست جمهوری، به این نگاه، توجه داشتند، به مسأله تهاجم فرهنگی، توجه داشتن. از ابتدای رهبری‌شان هم مکرر، یکی از دوستان خوب و باهوش ما این نوع نگاه رهبر معظم انقلاب، نوع و دلائل توجهشان به مقوله تهاجم فرهنگی را سال به سال در آورده‌اند و لااقل متناسب با دولت‌ها، مثلاً در دولت سازندگی به چه دلیل و روی چه نکاتی تأکید داشتند، در دولت اصلاحات، در دولت احمدی‌نژاد و در دولت اخیر، این را توجه کرده‌اند.

خب این که هدف تهاجم فرهنگی چیست؟ به آن نمی‌پردازیم چون وقتان کم و انشاءالله می‌خواهیم به سؤالات شما پردازیم. از نظر رهبر معظم انقلاب روش‌های تهاجم فرهنگی، یک مسأله بسیار بسیار مهم است. کاش ما وقت می‌داشتیم و با حوصله و دقت و تأمل بیشتری به این می‌پرداختیم. راجع به هر روشی باید مفصل با هم صحبت بکنیم. اولین مسأله مورد توجه ایشان در تهاجم فرهنگی، عرض کردیم به نظر ایشان، تهاجم فرهنگی کار زبندگان فرهنگی است، کار برجستگان آنهاست؛ کار آدم‌های درجه‌انم اینها نیست، یک عده‌ای زبده و مخ فرهنگی، مخ تئوریک می‌نشینند و برنامه‌ریزی می‌کنند. به همین دلیل در خیلی جاها برنامه‌هایشان این قدر مؤثر است. اولین و مهم‌ترین

روشی که اینها استفاده می‌کنند، تئوریزه کردن مبانی فکری ضد دینی و ضد انقلابی است. چند تا تئوری را هم اسم می‌برند: پلورالیسم فرهنگی، اباحی‌گری، تئوری جهانی‌سازی. اینها بحث‌های مشبعی در فرمایشات رهبر معظم انقلاب است.

یک روش دیگر، تغییر و **منزوی ساختن جریان ادب و فرهنگ و هنر انقلاب** است. الآن سینما ما هم همین کار را می‌کند. در جشنواره‌های بین‌المللی، ادبیات و فرهنگ انقلاب، سینمای انقلاب و آثار فرهنگی انقلاب را تحقیر می‌کنند، در داخل خود کشور هم این اتفاق می‌افتد. الآن قدرت جریان فرهنگی معاند به قدری جدی و بالاست که کسانی را که روشن و آشکار، حرف ارزش‌های دینی و فرهنگی و انقلابی را می‌زنند، به راحتی منزوی می‌کنند، تحقیر می‌کنند و تمسخر می‌کنند. این یک روش است که دشمن دارد و اتفاقاً ابزارش را هم در داخل دارد.

یک روش دیگری، منصرف کردن جوانان از پای‌بندی متعصبانه به ایمان و اصولگرایی است. یک روش دیگر، کوچک کردن آرزوهای انقلابی است. یک روش دیگر، اهانت است. یک روی دیگر، تمسخر است که خیلی مهم است و مکرر به آن اشاره کرده‌اند. طرح انتظار در نظرگاه رهبری انقلاب، طرح بسیار بسیار مهمی است که اجمالاً عرض می‌کنیم خدمتتان. اسمش را می‌گذارد «نفوذ دادن میکرب ارتجاع» از نظر رهبر انقلاب، ما در انقلاب با دو معضل بسیار جدی، روبه‌رو هستیم: یکی ارتجاع و یکی ارتداد است. ارتجاع یعنی برگشت به ارزش‌های طاغوتی، و ارتداد یعنی برگشتن از آرمان‌های انقلاب. خب این ارتجاع و ارتداد، چگونه اتفاق می‌افتد؟ یکی از راه‌هایی که به نظر ایشان در تهاجم فرهنگی، به جد دارد استفاده می‌شود، طرح انتظار است. طرح انتظار یعنی این که دشمن یک میکرب در جان جامعه می‌کارد و منتظر می‌ماند. دشمن خیلی حوصله دارد، خیلی صبر دارد. ده سال، بیست سال، سی سال، چهل سال، پنجاه سال، صبر می‌کند تا میکرب ارتجاع و نفوذ، بعدها ثمره‌اش را می‌چیند، همچنانی که خیلی جاها می‌بینیم واقعاً میکرب‌هایی که سی سال پیش، چهل سال پیش، کاشته شده الآن به راحتی دارد میوه را می‌چیند. ترویج فساد و آفت‌های اخلاقی، ربایش مغزها، شایعه‌پراکنی، جنگ روانی و ارباب.

حالا چگونه باید مقابله کرد؟ از نظر رهبر انقلاب **اولا** باید حساسیت داشت نسبت به دشمن. **ثانیا** باید روش‌های دشمن را شناخت. **ثالثا** باید بدانیم که روش‌های دشمن متعدد است، روش‌های دشمن، یکی دو تا نیست. دشمن در هر زمان و هر مقطعی از هر روشی بتواند استفاده کند، به بهترین نحو از آن استفاده می‌کند. بنابر این باید این را بدانیم. اگر مهم‌ترین روش دشمن، پیکار نظری و تئوری‌سازی است، مهم‌ترین راه مقابله هم باید در همین منطق،

جستجو بشود. ما هم باید به پیکار نظری، توجه بکنیم. ما هم روش‌های دیگر مثل دفاع از اهل بیت، بصیرت و عدم غفلت، بی‌توجهی به تمسخر دشمن. خیلی جاها ما عیناً از روش‌های دشمن می‌توانیم استفاده بکنیم. اگر پیکار نظری می‌کند، ما هم پیکار نظری بکنیم. اگر تمسخر می‌کند، ما هم تمسخر بکنیم «الله یستهزی بهم و یمدهم فی طغیانهم یعمهون» اگر آنها استهزاء می‌کنند، خداوند متعال استهزاء می‌کند، ما هم باید استهزاء، بلد باشیم باید قاعده‌اش را یاد بگیریم. اگر او شب و روز، جوک می‌سازد برای روز مادر ما، روز پدر ما، خوراک مذهبیون الآن شده جوک‌هایی که اسرائیلی‌ها دارند می‌سازند. مثلاً فکر می‌کنند که دارند ادخال سرور فی قلوب مؤمنین می‌کنند، در صورتی که این جور نیست. جوک‌هایی که شما دارید راجع به مادر و راجع به زن و راجع به پدر می‌سازید، نود درصدش را آن‌طرفی‌ها ساخته‌اند و برای تحقیر همین ارزشی است که ما برایش روز، تعیین کرده‌ایم. درخواستی‌مان را تبرک بدهیم و بالا بیاوریم ارزش پدر و مادر را. ما خیلی وقت‌ها تمسخر می‌کنیم با همان ادبیات باطل و اتفاقاً تمسخر می‌کنیم ارزش‌های خودمان را. اما خیلی جاها ما نباید و نمی‌توانیم اخلاقاً از متد دشمن، استفاده بکنیم. مثلاً اگر او دنبال ترویج مفاسد اخلاقی است ما نباید و نمی‌توانیم این کار را بکنیم. اگر او دنبال معتاد کردن جوان‌هاست ما نباید و نمی‌توانیم این کار را بکنیم.

نکته بعد، ضرورت مدیریت وسائل و ابزار فرهنگی است، مسأله وضعیت هنر، اینترنت، تولید بازی‌های اینترنتی و ماهواره و حل معضل، که رهبر معظم انقلاب مکرراً به اینها اشاره داشته‌اند و پرداخته‌اند. بنابر این در نظرگاه رهبر معظم انقلاب، مقوله فرهنگ، اگر بخواهیم جمع بند بکنیم، مسأله بسیار حیاتی و مهمی است. نمی‌شود او را رها کرد. باید او را مدیریت کرد. باید ضابطه برایش درست کرد. باید به آن توجه کرد. باید بودجه لازم برایش تعیین کرد. باید از مظلومیت در بیاید و در عین حال باید اولویت‌های فرهنگی شناخته بشود، معضلات فرهنگی شناخته بشود و مدیریت بشود. روش‌های دشمن هم شناخته بشود و متناسب با او حرکت کرد و به آن توجه کرد. انشاءالله سلامت و موفق باشد.

سؤال: آیا معنای فرهنگ همان معنای جعل شده در علوم انسانی غربی است یا سنخ تعریف توحیدی از فرهنگ، متفاوت است؟

جواب: بله متفاوت است قطعاً با همان نگاهی که عرض کردیم، در نظرگاه رهبر معظم انقلاب، فرهنگ، روح جامعه است. وقتی می‌گوییم روح جامعه است، فرهنگ البته جاهلی داریم، فرهنگ توحیدی داریم. در فرهنگ توحیدی اگر مدیریت با عقل بود اگر اهداف و آرمان‌ها توحیدی بود، این فرهنگ، فرهنگ توحیدی است. اگر

توحیدی نبود، در صورتی که در سایر تئوری‌های مرسوم غربی به آرمان‌ها عموماً توجه ندارند، به ارزش‌ها و ایمان، توجه ندارند به عنوان متن فرهنگ و ذات فرهنگ. در نظرگاه رهبر معظم انقلاب، نه، در متن فرهنگ، ایمان، تفکر و آرمان، جزء ذات فرهنگ است و باید به آن توجه بشود.

سؤال: چه کسانی باید فرهنگ‌سازی کنند؟

جواب: عرض کردیم خدمتتان و اشاره مجدد هم عیب ندارد که ایشان معتقدند اگر فرهنگ در همه جا مثل هواست، هر جایی که آدم‌ها هستند، باید دغدغه داشته باشند که به مسأله فرهنگ بپردازند؛ دانشجو، طلبه، کشاورز، کارگر، همه باید به فرهنگ، آن‌که انقلابی فکر می‌کند باید خودش را موظف بدانند در همان حوزه که به مقوله فرهنگ، اعتنا و اهتمام کند حتی یک راننده ساده هم در فرهنگ‌سازی، دخیل است با نوع سکناش با نوع رفتارش. استاد، دانشجو همین طور. و البته در فرهنگ‌سازی، هر چه سطوح مسؤولیت، بالاتر می‌رود، مسأله فرهنگ‌سازی هم اهمیت و جایگاه بیشتری پیدا می‌کند. عرض کردیم که در نظرگاه رهبر معظم انقلاب شورای عالی انقلاب فرهنگی، مرکز اصلی مدیریت و فرماندهی فرهنگی است و همه باید خودشان را با او هماهنگ بکنند. مجمع تشخیص مصلحت هم وظیفه دارد، مجلس هم وظیفه دارد. مجلس با قانون‌گذاری می‌تواند فرهنگ‌سازی بکند. شورای عالی انقلاب فرهنگی با سیاست‌گذاری می‌تواند، مجمع تشخیص مصلحت هم با ایفای نقش مناسب خودش، طبیعتاً دولت هم نقش بسیار مهمی در اجرای درست مقوله‌های فرهنگی دارد. همه، مسؤولیت دارند، دستگاه‌های مسؤول و قوای چندگانه، مسؤولیتشان بیشتر است.

سؤال: ارتباط فرهنگ ایرانی، فرهنگ رسومی که در مردم وجود دارد، فرهنگ اسلامی که پیش‌رو و هدف‌دار است، چیست؟ آیا در تحقق فرهنگ اسلامی، فرهنگ ایرانی تأثیری دارد اعم از مثبت یا منفی؟

جواب: آن‌گونه که من می‌فهمم، ارتباط فرهنگ ایرانی و فرهنگ اسلامی چیست، قطعاً یک جایی رهبر معظم انقلاب، فرمایششان این است که فرهنگ به هویت ملی، شکل می‌دهد. الآن ملت ما ملتی است که به مکتب اسلام، اعتقاد و باور دارد. طبیعتاً اگر فرهنگ از نظر ایشان به معنای ایمان است به معنای آرمان است، ایمان به هر چه دارد، همان فرهنگ، همان ایمان، همان آرمان و همان ارزش‌هایی که به آن معتقد است، فرهنگ او را هم شکل می‌دهد. مردم ایران الآن به اسلام و ارزش‌های اسلامی، معتقدند طبیعتاً با نگاه رهبر معظم انقلاب، ما با نگاه دیگران کاری نداریم، نگاه دیگران یک چیز دیگر است. دیگران نگاه‌هایشان متفاوت است. برخی‌شان معتقدند که اساساً

فرهنگ ایرانی و اسلامی، دو تاست و هر کدام، راه خود را می‌رود و دلیلی ندارند که بین این دو، دعوا ببینیم. یک عده‌ای معتقدند که نه، بین این دو، دعوی جدی وجود دارد. فرهنگ ایرانی و فرهنگ اسلامی با هم نمی‌سازند. یک عده‌ای از منظر دینی معتقدند که فرهنگ ملی و فرهنگ اسلامی با هم نمی‌سازند، یک عده‌ای نه، با نگاه ملی گرایانه به چنین فضایی اعتقاد دارند. در نظر گاه رهبر معظم انقلاب، فرهنگ اسلامی در فرهنگ ایرانی در هم آمیخته‌اند و مردم ایران چون به ارزش‌های دینی و توحیدی باور دارند، به هر میزان که باور داشته باشند فرهنگشان اسلامی و توحیدی می‌شود. اما ما در جغرافیای ایران داریم زیست می‌کنیم. طبیعاً ما قومیت‌های مختلفی داریم، جغرافیای مختلفی داریم، زبان‌های مختلفی داریم. جز مظاهر بسیار مهم فرهنگ از نظر ایشان، زبان است. وقتی شما در ایران، زبان فارسی زبان رسمی است و در عین حال، قومیت‌های مختلفان زبان‌های مختلفی دارند، همه اینها می‌توانند محمل فرهنگ باشند، انتقال‌دهنده ارزش‌های فرهنگ، ارزش‌های ملی و قومی باشند.

سؤال: بیشترین اولویت در زمینه فرهنگ، مختص به چه مبحثی است؟

جواب: عرض کردیم با توجه به نگاهی که رهبر معظم انقلاب به اولویت‌ها دارند بخصوص در مسأله تهاجم فرهنگی از نظر ایشان الآن مهم‌ترین شیوه دشمن در تهاجم فرهنگی، تئوری پردازی است. چند تا از تئوری‌های مهم این عرصه را هم به آن اشاره می‌کند مثل پلورالیزم فرهنگی، جهانی‌سازی، اباحی‌گری. از نظر ایشان تئوری‌سازی و پیکار نظری، روش مهم دشمن است بنابر این نقطه اصلی تمرکزمان هم باید همین جا باشد و بیشترین اولویتی که باید بدهیم، همین جاست. در عین حال، اولویت‌های دیگر هم هم‌زمان باید مورد توجه قرار بگیرند مثل مسأله هنر. عرض کردیم از نظر ایشان، یکی از روش‌های مهم دشمن که به جد بر آن اهتمام دارد، تحقیر جریان ادب و هنر اسلامی است. ما هم روی این باید اولویت داشته باشیم و به آن پردازیم. معضل اینترنت، ماهواره و فضای مجازی جزء اولویت‌های مورد توجه رهبر معظم انقلاب است.

سؤال: در مدیریت فرهنگی، نقش حلقه‌های میان چیست؟ چطور می‌توان یک تشکیلات منتظم و منسجم فرهنگی مثمر ثمر داشت؟

جواب: این مسأله مهمی است باید یک وقت بازی برایش گذاشت، این که چطور می‌شود تشکیلات را ایجاد کرد که هم منتظم باشد هم منسجم باشد هم نقش واسط را ایفا بکند بین مثلاً شورای عالی انقلاب فرهنگی و مجلس. این را باید جدا و مفصل به آن پرداخت.

سؤال: آیا آن فرهنگ اسلامی برای جامعه، استنباط از منابع شده و فقط باید فرهنگ‌سازی شود یا دوباره باید برویم آن فرهنگ اسلامی را استنباط کنیم؟

جواب: آن طور که سؤالتان را فهمیدم، فرهنگ اسلامی، عریق و عمیق است. فهم فرهنگ اسلامی در خیلی جاها برای ما حاصل نشده. ما کلیت اسلام را یک توجه و عنایتی داریم. وقتی همه اسلام را فهمیدیم یعنی همه فرهنگ اسلامی را هم فهمیده‌ایم. طبیعتاً نمی‌توانیم مدعی باشیم که همه فرهنگ اسلامی را فهمیده‌ایم. اگر فهمیده بودیم، این قدر مشکل نداشتیم، این قدر در اولویت‌ها جابجایی نداشتیم، این قدر تشخیص‌هایمان مخشوش نبود یعنی این به این معناست که اتفاقاً یکی از اولویت‌های ما همین است. وقتی می‌گوییم که ما باید به پیکار نظری توجه داشته باشیم، یعنی این که در شناخت فرهنگ اسلامی در همین جا ما باید توقف داشته باشیم و توجه لازم را داشته باشیم. بنابر این ما هنوز فرهنگ اسلامی را آن جوری که حق مطلب است، قطعاً نشناخته‌ایم، باید برایش تلاش بکنیم، ابعاد مختلفش را بشناسیم و برایش برنامه‌ریزی بکنیم.

سؤال: لطفاً کتبی را که در زمینه فرهنگ، جمع‌آوری شده را نام ببرید.

جواب: کتب این حوزه زیادند، اسم نویسندگانش را الآن به خاطر ندارم. کتابی که با یکی از دوستان خوبمان آقای آقاپور تدوین کرده‌ایم، یک حالت دائرةالمعارفی دارد به نام «فرهنگ در منظر رهبری» از انتشارات نشر شهر، حدود ۱۲۰۰ صفحه است که تقریباً جامع فرمایشات رهبر انقلاب تا سال ۹۲ در آن هست. البته تدوین است و تحلیل و تشریح و اینها نیست. یک منبع نسبتاً خوبی است که شما همه ابعاد مورد توجه رهبر معظم انقلاب را در فلسفه فرهنگ، اهمیت فرهنگ، نسبت فرهنگ با سایر عرصه‌ها، مدیریت فرهنگی، جبهه فرهنگی، تهاجم فرهنگی، مسأله صداوسیما، ابزار فرهنگی، صدور فرهنگ، به همه اینها توجه شده. یک کتاب نسبتاً خوب، «دغدغه‌های فرهنگی» است. کتاب دیگر کتاب «جهاد فرهنگی» است که اسم نویسنده‌اش را نمی‌دانم. معمولاً اینها را مجموعه‌ها منتشر می‌کنند. کتاب‌های این حوزه، کم نیست. یک کتاب خوبی را دفتر نشر قرار بود منتشر بکند توسط پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه، که این حقیر هم توفیق ارزیابی‌اش را داشتم، یکی از کتاب‌های خیلی خوب با نگاه تحلیلی-تبیینی است. انشاءالله که منتشر شده باشد. نویسنده‌اش آقای مهدی جمشیدی است یک محقق دلسوز فهیم است. البته چارچوب خاص خودش را دارد ولی نگاه تبیینی خوبی دارد. این هم یکی از آثار خوب حوزه فرهنگ با نگاه رهبری است.

سؤال: با توجه به نظریه رهبری مبنی بر ساخت محیط برای ساختن انسان‌ها که روش پیامبران، معرفی شده، تأکید بر تربیت اجتماعی توسط پیامبران چه مؤلفه‌هایی برای تربیت محیط، وجود دارد؟ با توجه به گستردگی فرهنگ و هم‌پوشانی‌اش با مؤلفه‌ها محیطی چگونه می‌توان شاخصه‌هایی را برای تربیت محیط بر شمرد؟

جواب: تربیت محیط به چه معناست؟ این را برای من تبیین کنید که تربیت محیط چیست؟ منظورتان تربیت اجتماع است، تربیت جامعه است؟ تربیت محیط یعنی تربیت محیط زیست، منظورتان است؟ منظورتان را متوجه نشدم. منظورتان ارتباط بین تربیت و محیط است؟ منظورتان فیزیک است یا چیز دیگری؟ عذر می‌خواهم، اگر توانستید مجدداً پرسید که در خدمتتان باشم.

سؤال: ما تا حدودی اندیشه‌های بنیادین حضرت آقا را در خصوص فرهنگ می‌دانیم اما این که بر اساس این مبانی بتوانیم طرح‌نویسی کنیم و تولید ایده و خلاقیت داشته باشیم متأسفانه توانمند نیستیم و نمی‌توانیم دغدغه‌ها را به طرح و پروژه و عملیات فرهنگی تبدیل کنیم.

جواب: این سؤال، سؤال خیلی خوبی است. ما باید کمک کنیم، مجموعه‌هایی مثل این که اینجا که متولی هستند، باید روش تحقیق و روش پروپوزال‌نویسی و روش نگارش و اینها را کمک کنند. ما در دانشگاه معارف اسلامی اگر می‌توانید بیایید در خدمتتان هستم، کمک‌تان می‌کنم به هر میزان که توفیق شد، حالا مجازی باشد، اگر دوستان صلاح دانستند، من کمک‌تان می‌کنم. اگر کسی می‌خواست طرح بنویسد، هم اولویت برایش می‌گویم هم روش را هم فرایند را. یک جا بتوانیم به شما کمک بکنیم. در عین حال یک سری کتاب‌های ساده هست راجع به طرح‌نویسی و شیوه نگارش پروپوزال و اینها که شاید قدری به شما در طرح‌نامه‌نویسی کمک بکند. البته باید در عمل انجام داد که در هر صورت من در خدمتتان هستیم. این طوری نیست که الآن بتوانیم توضیح بدهیم که چه می‌شود کرد جز این که بتوانیم در خدمتتان باشیم. سلامت باشید، خداوند بزرگ نگهدارتان باشد. خیلی خوشحال شدیم. آرزوی سلامتی و سعادت برایتان داریم و امیدواریم که در پناه عنایات حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) موفق و مؤید باشید.

«و السلام علیکم و رحمة الله و بركاته»